

محمد تقی به مصر نمی‌رفته است؛ ولی مرحوم بروجردی تأکید می‌کرده که بروود و کارش را ادامه دهد.

شناساندن فقه شیعه به اهل سنت از دیگر کارهای آیت‌الله بروجردی بود. ایشان به این نتیجه رسیده بود که ما در زمینه فقه مأخذ قوی داریم و باید آنها را به اهل سنت بشناسانیم. فقه ما اصلی دارد و مأخذی از پیامبر اکرم (ص) و آن حدیث ثقلین است: «انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تزلوا ابدأ، کتاب الله و عترتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ من دو شیء گرانبها در میان شما می‌گذارم که تا وقتی به آن دو تمسک جوید هیچ‌گاه پس از من گمراه نمی‌شوید و آن دو، کتاب خدا و خاندان من هستند که تا روز رستاخیز از یکدیگر جدا نشوند و در حوض کوثر بر من وارد شوند.

بالاخره مرحوم بروجردی علاقه داشت فقهی را پی‌ریزی کند که روایات شیعه و سنی و فتاوی و استدلال‌های هر دو گروه در آن باشد تا برای همگان روشن شود که این نظریات و روایات چقدر با هم مرتبط‌اند.

در همین ارتباط نقل می‌کردند که مرحوم بروجردی کتاب مبسوط شیخ طوسی را به عنوان هدیه برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس وقت الازهر فرستاده بود. این کتاب در او چنان اثر گذاشته بود که در اواخر عمرش گفته بود: چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم و چه بعد که عضو لجنه افتاء الازهر بودم هرگاه می‌خواستم به کمیسیون فتوا بروم برای نظر دادن در مسأله‌ای حتماً قبل از رفتن کتاب مبسوط را مطالعه می‌کردم.

تجلیل و تقدیر از عالمان منصف و روشن اهل سنت از دیگر کارهای تقریبی آیت‌الله بروجردی بود. از نامه‌هایی که بین آیت‌الله بروجردی و شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت ردوبدل شده فهمیده می‌شود که مرحوم بروجردی از تلاش آنان در راه اتحاد و همبستگی بین مسلمانان تقدیر و تجلیل می‌کرده است. در یک جلسه خصوصی حدیث فرمود: مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم وقتی متذکر فاجعه کربلا می‌شد، می‌گفت: این فاجعه لکه‌ننگی در تاریخ اسلام است و بسیار متأثر می‌شد. همچنین روزی در ضمن درس به مناسبت از شرح نهج‌البلاغه و مقدمه عبده سخن به میان آورده و این بخش از مقدمه را خوانده به این مضمون: هنگام خواندن نهج‌البلاغه گاهی به نظرم می‌رسید، یک مرد عابد و زاهد و شب‌زنده‌دار به موعظه مردم پرداخته است و گاهی به نظرم می‌رسید، فرماندهی شجاع و غیور در میدان جنگ و کارزار سربازان خود را علیه دشمن بسیج می‌کند.

این تعبیر عبده در مقدمه، ایشان را به اعجاب واداشته و برای‌شان جالب بود. همین که یک مرجع بزرگ با آن همه احتیاط این مقدمه را در ضمن درس برای انبوه شاگردان فاضل نقل می‌کند دلیل بر اهمیت دادن ایشان به قضیه است و می‌خواهد وانمود کند باید از آنان که در راه اتحاد و اتفاق مسلمانان تلاش می‌کنند، تقدیر شود.

آیا نباید از عبده که بدون ذره‌ای تشکیک در اصل کتاب نهج‌البلاغه و حتی در خطبه

شفشقیه، نهج‌البلاغه را با آن زیبایی و کمال دقت شرح کرده است و در آن خطبه ذیل لفظ تقمصها فلان می‌نویسد، «هو ابوبکر» تقدیر و تجلیل به عمل بیاید؟ این حرکت آیت‌الله بروجردی به متعصبین و آنان که هنوز در فکر چاپ و نشر برخی از کتاب‌های اختلاف‌برانگیز هستند و این کار را هم به پندار خود مقدس می‌انگارند، آموخت که باید چگونه مشی کنند.

◀ در برهه‌ای که حضرت عالی در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بودید، آیا بزرگان و فضلاء حوزه در جهت نظم و سامان دادن به اوضاع حوزه برنامه‌ای داشتند؟

برخی از طلاب و فضلاء روشنفکر در این اندیشه بودند که به اوضاع حوزه رسیدگی کنند و نظمی به آن دهند. در آغاز برنامه این گروه بود که مدرسه فیضیه زیر نظر هیأتی اداره شود و تشکیلات آیت‌الله بروجردی در امور مدرسه دخالت نکنند. برخی از افراد این گروه روشنفکر و دلسوز عبارت بودند از حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه، مرحوم آیت‌الله مرتضی حائری، مرحوم داماد و... بالاخره برای این حرکت اساسی مرحوم آیت‌الله بروجردی را آماده کرده بودند و ایشان هم نوشته‌ای به آقایان داده بود. ولی بعد گویا پشیمان می‌شود و آن نامه را هم از آقایان می‌گیرد! این امر سبب شد که آقایان حالت قهری پیدا کنند و در بین طلاب و فضلاء روشنفکر و طلب اصلاح حوزه از مرحوم بروجردی نارضایتی به وجود آید؛ ولی عظمت مرحوم آیت‌الله بروجردی این‌گونه مسائل را سریع حل می‌کرد و همه آقایان نامبرده تا آخرین لحظات حیات، مقام و عظمت او را حفظ کردند.

◀ موضع علما بویژه آیت‌الله بروجردی در قضیه نهضت ملی نفت چگونه بود؟

همان‌طور که می‌دانید، آیت‌الله کاشانی از پیشگامان این حرکت بود. در حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله خوانساری آشکارا از نهضت ملی نفت طرفداری می‌کرد و در انتخاباتی که منجر به ورود آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق به مجلس شورای ملی شد. نقش عمده‌ای داشت و طی فتوای صریح مردم را به شرکت در انتخابات وادار کرد. بالاخره این حرکت به پیروزی رسید و کار دست دکتر مصدق افتاد. دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی مدت‌ها با هم همکاری می‌کردند.

آیت‌الله بروجردی هم روحاً با نهضت ملی نفت موافق بود. جریانی از قم پیش آمد که به ناچار علناً از نهضت پشتیبانی کند. جریان از این قرار بود، دو نفر از روحانیون که یکی از آنان سید علی‌اکبر برقی بود در کنفرانس صلح وین شرکت کرده بودند. در موقع بازگشت وی به قم عده‌ای از نوده‌ای‌ها به استقبال ایشان شتافتند و انبوه طلاب و مقدسین هم تظاهرات مخالفی به راه انداختند و چیزی نمانده بود که بین طرفین درگیری رخ دهد. نیروی نظامی دخالت کردند و به زور متوسل شدند که من در بین جمعیت حاضر و ناظر بودم و بعداً معروف شد که در تیراندازی‌های پلیس برخی از طلاب کشته

برخی از طلاب و فضلاء روشنفکر در این اندیشه بودند که به اوضاع حوزه رسیدگی کنند و نظمی به آن دهند. در آغاز برنامه این گروه بود که مدرسه فیضیه زیر نظر هیأتی اداره شود و تشکیلات آیت‌الله بروجردی در امور مدرسه دخالت نکنند. برخی از افراد این گروه روشنفکر و دلسوز عبارت بودند از حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه، مرحوم آیت‌الله مرتضی حائری، مرحوم داماد و...